



باباجان زودتر دشمنان را بکش و پیش ما بیا

باباجان من و سوده دلمان برایت تنگ شده است. زودتر دشمنان را بکش و پیش ما بیا و ما را بیرون ببر زیرا از وقتی که شما به جبهه رفتید مامان ما را هیچ جا نبرده.

در این نامه آمده است: باباجان من و سوده دلمان برایت تنگ شده است. زودتر دشمنان را بکش و پیش ما بیا و ما را بیرون ببر زیرا از وقتی که شما به جبهه رفتید مامان ما را هیچ جا نبرده.

به گزارش گروه «حماسه و مقاومت« خبرگزاری فارس، شهید محمد اصغریخواه، فرمانده گردان کمیل لشکر قدس گیلان بود که در 9 فروردین ماه 1367 در عملیات والفجر 10 به شهادت رسید.

همسرش در خاطراتی که از این شهید بیان می کند، آورده است: توی صحبت های مقدماتی قبل از ازدواج قول پنج سال زندگی رو بیشتر به من نداده بود. اواخر که به شش سال رسیده بود به رخ می کشید و می گفت: «خلف وعده کردم. (کول دار بون آغوز پیداودی) یعنی زیر درختی بی ثمر، گردو پیدا کردی.«

ثمره این ازدواج دوفرزند به نام های «سجاد و سوده« است که یقیناً در حال حاضر به یک زن و مرد کامل تبدیل شده اند.

حضور پدر در صحنه های نبرد باعث شده بود که کودکان دلشان برای بابا بیشتر تنگ بشود و برایش نامه بنویسند. این خطوط سطرهای از نامه آقا سجاد به پدرش است که با دست خط خود آن را نوشته است.

یکی از همرزمان شهید اصغریخواه می گوید:

«برای اولین بار بود که پسرش برایش نامه نوشته بود. با افتخار نامه رو می خوند و به ماها که مجرد بودیم می گفت: "شما ها چه می دونید متاهل بودن یعنی چی؟ ببینید پسرم برام چی نوشته؟" او چندین بار نامه رو خوند و گریه کرد.

* متن نامه سجاد به پدرش:

به نام خدا

خدمت پدر بزرگوارم سلام

امیدوارم که حالتان خوب باشد. باباجان من و سوده دلمان برایت تنگ شده است. زودتر دشمنان را بکش و پیش ما بیا و ما را بیرون ببر زیرا از وقتی که شما به جبهه رفتید مامان ما را هیچ جا نبرده. من همیشه به مدرسه و سوده به کودکستان می رود. ما همیشه سفارش شما را به یاد می آوریم. باباجان من به شما قول می دهم که پسر خوبی و مانند شما دلیر باشم و نمرات خوب بگیرم.

خدانگهدار شما پسر سجاد